



کد خبر: 158412 تاریخ: 1395/8/23 00:00

اول دفتر

<ترامپ> و شش راهکار ایران

سید حسین موسویان
دیپلمات ارشد سابق ایران

انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهوری جدید آمریکا در حالی جهان را در بهت و حیرت فرو برد که این رویداد برای ایران که خود حداقل در سه انتخابات ریاست جمهوری 1376، 1384 و 1392 نتیجه غیر قابل منتظره‌ای را تجربه کرده بود، چندان دور از انتظار نبود. منتهی ترامپ نخستین رئیس جمهوری امریکاست که خارج از قواعد سنتی نهادهای قدرت و سیستم حاکمیتی آمریکا رئیس جمهوری شد. پیروزی او در این انتخابات به اندازه‌ای غیرقابل باور بوده است که مدت‌هاست طراحی سناریویی در داخل سیستم حاکمیتی آمریکا در دستور کار قرار گرفته است که در صورت پیروزی ترامپ، عمر دولتش بیش از چند ماه به درازا نکشد. بدین ترتیب که اگر رفتارهای عجیب او ادامه یابد، با گشودن چندین فایل از سوابقش، در کنگره استیضاح شده و معاونش جایگزین او شود. هدف این نگارش، کالبدشکافی انتخابات آمریکا نیست که به نوبه خود مهم و عبرت‌آموز است. پیامدهای این انتخاب از منظر ابعادی که در عرصه سیاست خارجی و مشخصاً برای ایران دارد، حائز اهمیت می‌شود.

یک کارشناس برجسته آمریکایی می‌گوید که آمریکا در سال 1945 حدود 50 درصد از تولید ناخالص جهان را داشت و امروز سهم آن به حدود 20 درصد کاهش یافته است. آمریکا در 6 دهه گذشته هزینه‌های سنگینی را برای متحدانش متقبل شده که در نهایت به تقویت آنها و تضعیف توان و اقتدار اقتصادی آمریکا انجامیده است. این موضوع که وجه مشترک نگرانی هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات آمریکا بوده اما هرگز شجاعت طرح آن وجود نداشته، اکنون مهم‌ترین چالش پیش روی ترامپ است. بنابراین ترامپ با در نظر گرفتن این مشکلات، اعلام کرده که خواهان بازگرداندن اقتدار گذشته امریکاست.

ارزیابی ایران از نتیجه انتخابات آمریکا و مواجهه با سیاست‌های رئیس‌جمهوری جدید این کشور نباید صرفاً مبتنی بر تفکرات فردی ترامپ باشد. احتمالاً برخی در ایران خواهان پیروزی ترامپ بودند زیرا معتقدند او دیوانه‌ای است که آمریکا را ذلیل خواهد کرد و ذلت آمریکا هم همان خواست و هدف جمهوری اسلامی است. حال آنکه فرض جمهوری اسلامی باید مبتنی بر این اصل باشد که در آمریکا سیستمی غالب است که در آن تنها رئیس‌جمهوری با وجود قدرت بالایی که دارد، تنها تصمیم‌گیرنده نیست. اما آنچه شرایط کنونی ویژه‌ای را در سیستم سیاسی آمریکا به وجود آورده، آن است که پس از 88 سال جمهوریخواهان در مجلس سنا و نمایندگان در اکثریت هستند و رئیس‌جمهوری منتخب هم از جمهوریخواهان است. بنابراین، باید با در نظر گرفتن این شرایط، نحوه مواجهه با ترامپ و جمهوریخواهان آمریکا را در نظر گرفت.

ایران در دوره ریاست جمهوری ترامپ، با تهدیدات و فرصت‌هایی روبه‌رو خواهد بود. تاریخ 38 ساله نظام جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که در مقابله با تهدید، خوب اما در بهره‌برداری از فرصت‌ها بسیار ضعیف عمل کرده است. دشمنان قسم خورده ایران به دنبال افزایش تهدیدها و حذف فرصت‌ها خواهند بود. هنر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ایران این خواهد بود که اولاً برای کاهش تهدیدات و بهره‌برداری از فرصت‌ها برنامه داشته باشند و ثانیاً در زمان مناسب هم اقدام مناسب به عمل آورند و اجازه ندهند منافع ملی ایران قربانی توطئه جبهه خارجی ضد ایران و نیز باندبازی‌های سیاسی داخلی گردد. مگر اینکه صحت این فرضیه قوت گیرد که افزایش خصومت و تقابل با امریکا به نفع جمهوری اسلامی است که در این صورت ترامپ و آرایش جدید سیاسی در واشنگتن برای تحقق این فرضیه مناسب خواهد بود.

در تاریخ روابط ایران و امریکا بعد از انقلاب اسلامی 1357، همه رؤسای جمهوری امریکا از هر دو حزب، سیاست خصمانه مشابهی در مورد ایران اجرا کردند با این تفاوت که رؤسای جمهوری دموکرات با زبانی نرم‌تر، بدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کردند. تنها استثناء دور دوم ریاست جمهوری اوباما بود.

اکنون که این سطور را می‌نویسم، به تازگی از نشست‌های اروپا بازگشته‌ام که نمایندگان کشورهای عربی از جمله سعودی‌ها به سرزنی ایران و اوباما پرداختند. عمده جلسه هم به بحث‌های چالشی بین دو ایرانی، یکی معاون وزیر خارجه و دیگری هم من، با 6 نماینده عرب حاضر در جلسه اختصاص داشت. همزمان هم جمعی از گروهک تروریستی منافقین در بیرون از جلسه تجمع و علیه جمهوری اسلامی شعار می‌دادند.

اعراب حاضر در جلسه بر این باور بودند که اوباما تنها رئیس جمهوری بود که غنی‌سازی و آب سنگین در ایران را پذیرفت یعنی هر دو مسیر ساخت بمب هسته‌ای را در اختیار ایران گذاشت، با برداشته شدن تحریم‌های هسته‌ای و لغو قطعنامه‌های سازمان ملل هم موافقت کرد، ایران را از ته دره تحریم‌ها بیرون کشید و در مسیر ابرقدرت شدن منطقه قرار داد. اوباما بود که عربستان و اعراب را به حمایت از افراط‌گرایی و تروریسم متهم کرد و به سایر غربی‌ها جرأت داد که شبانه روز به اعراب و جهان اهل سنت اهانت کنند. او گستاخی را به حدی رساند که به ریاض پیشنهاد کرد منطقه را با جمهوری اسلامی ایران شراکتی اداره کنند.

به هر حال نمی‌توان این واقعیت را از صفحه تاریخ دیپلماسی جهان پاک کرد که در دوره دوم ریاست جمهوری اوباما، روابط امریکا با دشمنان یا رقبای منطقه‌ای ایران همچون اسرائیل و عربستان و ترکیه به طور بی‌سابقه‌ای دچار چالش‌های جدی شد به گونه‌ای که صهیونیست‌ها و سعودی‌ها برای خروج اوباما از کاخ سفید لحظه‌شماری می‌کردند زیرا معتقد بودند که او با توافق هسته‌ای و برداشتن تحریم‌های بین‌المللی هسته‌ای از پشت به متحدین امریکا خنجر زده است. با رصد رسانه‌های داخلی ایران در یک سال گذشته می‌توان به این برداشت رسید که درست در همین دوره، فضای ضد امریکایی در ایران هم به اوج رسید.

اکنون برای قضاوت در مورد سیاست‌های عملی ترامپ در دوره ریاست جمهوری امریکا زود است. باید صبر کرد تا کادر اصلی او مشخص شود. اما مناسب است مسئولین جمهوری اسلامی چند اقدام را از هم اکنون مد نظر قرار دهند:

- 1- از فحاشی، توهین، تحقیر و مسخره کردن ترامپ بپرهیزند.
- 2- از اقدامات و مواضع تحریک‌آمیز بی مورد که صرفاً بهانه به دشمن می‌دهد، پرهیز شود.
- 3- تهدیدات و فرصت‌های احتمالی را بررسی و برای هر سناریوی احتمالی برنامه تنظیم کنند.
- 4- از هر اقدام یا موضعی که شائبه ترس یا ضعف ایران را القا کند، پرهیز شود که این امر جناح‌بازهای امریکا را گستاخ‌تر خواهد کرد.

5- لابی صهیونیسم، سعودی‌ها و متحدین عرب آنها و منافقین از لحظه پیروزی ترامپ برای نفوذ و تأثیرگذاری در او و تیمش فوراً وارد عمل شدند تا سیاست‌های ضد ایرانی را در واشنگتن تقویت و طرح‌های ضد ایرانی شکست خورده یا مسکوت مانده گذشته را احیا کنند. فرض آنها هم این است که ترامپ، لویح جدید کنگره برای اعمال تحریم‌ها را وتو نخواهد کرد. لذا اگر تهران موفقیت اقدامات لابی صهیونیسم-اعراب تکفیری و جناح‌بازهای امریکا را در راستای منافع کشور نمی‌داند، نه تنها نباید نظاره‌گر بوده یا تدافعی عمل کند، بلکه باید ابتکار عمل داشته باشد.

5- تصویر ایران در امریکا و غرب همچنان منفی است هر چند این تصویر بعد از دستیابی به برجام و ظهور داعش و تروریسم تکفیری، نسبت به گذشته بهتر شد. در عین حال در یک سال گذشته و در جریان مبارزات انتخابات ریاست جمهوری امریکا، نامزدهای رقابت کننده جملگی به ایران‌هراسی دامن زدند به اندازه‌ای که آگهی‌های

تبلیغاتی از شبکه‌های بزرگ آمریکا مستمراً پخش شد. فرض را هم باید بر این گذاشت که جبهه ضد ایران در مورد ایران و شیعه‌هراسی تلاش‌های سنگین جدیدی را آغاز خواهد کرد تا از آب گل‌آلود در واشنگتن ماهی بگیرند. در این مورد هم تهران باید مبتکرانه و فعال وارد عمل شود.

6- بعد از برجام، فرصت بازسازی روابط ایران با سایر کشورهای غربی مثل اتحادیه اروپا فراهم شده است. در این مورد سرعت و اهتمام ویژه نیاز است. باید لیستی از موارد منافع مشترک، فراتر از روابط دوجانبه برای آغاز این همکاری‌ها تهیه و عملیاتی شود. همزمان گفت‌وگو در مورد موارد اختلافی هم می‌تواند آغاز شود.

«ترامپ» و شش راهکار ایران

انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهوری جدید آمریکا در حالی جهان را در بهت و حیرت فرو برد که این رویداد برای ایران که خود حداقل در سه انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ نتیجه غیر قابل منتظره‌ای را تجربه کرده بود، چندان دور از انتظار نبود. منتهی ترامپ نخستین رئیس جمهوری امریکاست که خارج از قواعد سنتی نهادهای قدرت و سیستم حاکمیتی آمریکا رئیس جمهوری شد. پیروزی او در این انتخابات به اندازه‌ای غیرقابل باور بوده است که مدت‌هاست طراحی سناریویی در داخل سیستم حاکمیتی آمریکا در دستور کار قرار گرفته است که در صورت پیروزی ترامپ، عمر دولتش بیش از چند ماه به درازا نکشد. بدین ترتیب که اگر رفتارهای عجیب او ادامه یابد، با گشودن چندین فایل از سوابقش، در کنگره استیضاح شده و معاونش جایگزین او شود. هدف این نگارش، کالبدشکافی انتخابات آمریکا نیست که به نوبه خود مهم و عبرت‌آموز است. پیامدهای این انتخاب از منظر ابعادی که در عرصه سیاست خارجی و مشخصاً برای ایران دارد، حائز اهمیت می‌شود.

یک کارشناس برجسته آمریکایی می‌گوید که آمریکا در سال ۱۹۴۵ حدود ۵۰ درصد از تولید ناخالص جهان را داشت و امروز سهم آن به حدود ۲۰ درصد کاهش یافته است. آمریکا در ۶ دهه گذشته هزینه‌های سنگینی را برای متحدانش متقبل شده که در نهایت به تقویت آنها و تضعیف توان و اقتدار اقتصادی آمریکا انجامیده است. این موضوع که وجه مشترک نگرانی هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات بوده اما هرگز شجاعت طرح آن وجود نداشته، اکنون مهم‌ترین



سید حسین موسویان
دیپلمات ارشد سابق ایران

پس بیس روی ترامپ است. بدترین ترامپ با دروغ ترس این مسخره، اعلام کرده که خواهان بازگرداندن اقتدار گذشته امریکاست.

ارزیابی ایران از نتیجه انتخابات امریکا و مواجهه با سیاست‌های رئیس‌جمهوری جدید این کشور نباید صرفاً مبتنی بر تفکرات فردی ترامپ باشد. احتمالاً برخی در ایران خواهان پیروزی ترامپ بودند زیرا معتقدند او دیوانه‌ای است که امریکا را ذلیل خواهد کرد و ذلت امریکا هم همان خواست و هدف جمهوری اسلامی است. حال آنکه فرض جمهوری اسلامی باید مبتنی بر این اصل باشد که در امریکا سیستمی غالب است که در آن تنها رئیس‌جمهوری با وجود قدرت بالایی که دارد، تنها تصمیم‌گیرنده نیست. اما آنچه شرایط کنونی ویژه‌ای را در سیستم سیاسی امریکا به وجود آورده، آن است که پس از ۸۸ سال جمهوریخواهان در مجلس سنا و نمایندگان در اکثریت هستند و رئیس‌جمهوری منتخب هم از جمهوریخواهان است. بنابراین، باید با در نظر گرفتن این شرایط، نحوه مواجهه با ترامپ و جمهوریخواهان امریکا را در نظر گرفت.

ایران در دوره ریاست جمهوری ترامپ، با تهدیدات و فرصت‌هایی روبه‌رو خواهد بود. تاریخ ۲۸ ساله نظام جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که در مقابله با تهدید، خوب اما در بهره‌برداری از فرصت‌ها بسیار ضعیف عمل کرده است. دشمنان قسم خورده ایران به دنبال افزایش تهدیدها و حذف فرصت‌ها خواهند بود. هنر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ایران این خواهد بود که اولاً برای کاهش تهدیدات و بهره‌برداری از فرصت‌ها برنامه داشته باشند و ثانیاً در زمان مناسب هم اقدام مناسب به عمل آورند و اجازه ندهند منافع ملی ایران قربانی توطئه جبهه خارجی ضد ایران و نیز باندهای سیاسی داخلی گردد. مگر اینکه صحت این فرضیه قوت گیرد که افزایش خصومت و تقابل با امریکا به نفع جمهوری اسلامی است که در این صورت ترامپ و آرایش جدید سیاسی در واشنگتن برای تحقق این فرضیه مناسب خواهد بود.

در تاریخ روابط ایران و امریکا بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، همه رؤسای جمهوری امریکا از هر دو حزب، سیاست خصمانه مشابهی در مورد ایران اجرا کردند با این تفاوت که رؤسای جمهوری دموکرات با زبانی نرم‌تر، بدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کردند. تنها استثناء دور دوم ریاست جمهوری اوباما بود.

ادامه در صفحه ۴